

افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Scientific

علمی

بازتایپ توسط: لاله - هوادار سازمان انقلابی افغانستان

۱۵ دسمبر ۲۰۱۱

ریفورمیسم

ریفورمیسم (اصلاح طلبی) یک جریان سیاسی در درون جنبش کارگری است که ضرورت مبارزه طبقاتی، انقلاب سوسیالیستی و دیکتاتوری پرولتاریا را انکار و سازش طبقاتی و امیدواری به تبدیل یک جامعه سرمایه داری را به یک "جامعه سعادت‌مند" از طریق انجام ریفورم (اصلاحات) اجتماعی که به بنیاد سیستم سرمایه داری کاری ندارد، موعظه می کند.

از نظر تاریخی، ریفورم در دهه های آخر قرن ۱۹ پدیدار گردید و پایه طبقاتی آن همان "اریستوکراسی کارگری" (اشرافیت کارگری)، یعنی قشر فوقانی طبقه کارگر است. ریفورمیسم با رویزونیسم در ارتباط نزدیک به سر می برد. هدف کلیه تئوری ها و مواظ ریفورمیستی آشتی دادن میان پدیده های آشتی ناپذیر است. مثل آشتی دادن مالکیت خصوصی و عدالت اجتماعی، نابرابری اجتماعی و رفاه همگانی...

ریفورمیست ها تصور می کنند که از طریق انجام ریفورم ها یا اصلاحات می توان درد های جامعه را بهبود بخشید و تضاد های آن را حل نمود. اینان خود را با اقداماتی سر گرم می کنند که بنیاد نظام سرمایه داری را به لرزه نینداخته و در واقع تداوم استثمار خلق را تضمین می کند. اینان در زبان و در عمل ضرورت انجام انقلاب اجتماعی به رهبری پرولتاریا و دگرگون کردن بنیادی زیر بنا و روبنای اجتماعی را که یگانه راه حل قاطع، انقلابی و مؤثر تضاد های اجتماعی ناشی از جامعه سرمایه داری و سایر جوامع طبقاتی استثماری است، نفی می کنند و از انتقال قدرت به دست زحمتکشان و استقرار حکومت آنها و ریشه کن کردن طبقات حاکمه ارتجاعی و استثمارگر و در هم کوبیدن سر چشمه های فقر و نابودی شرایط تولید نابرابری های اجتماعی جلوگیری می کنند. اما مارکسیست ها مخالف ریفورم نیستند، بلکه مخالف این تصور و عقیده اند که ریفورم به خودی خود و به تنهایی قادر است شرایط دگرگونی کامل جامعه را فراهم نماید. مارکسیست ها در عین اعتقاد کامل به این اصل که فقط انقلاب می تواند تضاد های جامعه را حل نماید، با ریفورم هائی که شرایط مناسبی را برای تکامل بعدی مبارزه طبقاتی زحمتکشان فراهم آورد مخالفت ندارند. این ریفورم ها، ریفورم هائی هستند که مبارزات خلق به طبقه حاکم تحمیل می نماید. در عین

حال، مارکسیست ها ماهیت دروغین کلیه ریفورم هائی را که با هدف فریب توده ها و تداوم و تثبیت استثمار خلق به وسیله طبقه حاکم صورت می گیرد، به شدت افشاء می کنند.

لنین در باره ایجاد تمایز میان ریفورم و انقلاب می نویسد: "مفهوم ریفورم با مفهوم انقلاب بدون شک متناقض است. از یاد بردن این تناقض و عدم توجه به مرز میان این دو مفهوم سبب بروز اشتباهات جدی می گردد. ولی این تناقض مطلق و این مرز جامد نیست، بلکه زنده و متحرک است. در هر مورد مشخص باید آن را معین کرد."

احزاب سوسیال دموکرات کنونی نمونه بارز یک جریان ریفورمیستی در سطح جهانی اند. اینان از انحصارات امپریالیستی دفاع کرده و از تجاوز امپریالیسم پشتمانی می کنند.

پرولتاریا و احزاب مارکسیست – لنینیست باید به مبارزه ای شدید علیه ریفورمیسم دامن زنند و با تأثیر کنونی ریفورمیست ها در اشکال مختلف در جنبش کارگری با قاطعیت مقابله نمایند و پوچ بودن مواعظ ضد انقلابی اینان را افشاء و آنها را طرد کنند.

بر گرفته از کتاب مبانی و مفاهیم مارکسیسم